

ساخت و بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه ی آسیب های تعاملی زناشویی مردان دارای شخصیت اجتنابی

علیرضا روحی^۱، رضوان السادات جزایری^{۲*}، مریم سادات فاتحی زاده^۳، عذرا اعتمادی^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۵

چکیده

آسیب های تعاملی بین زن و شوهر مجموعه عواملی هستند که موجب ایجاد تعارض و اختلاف بین زوجین می شوند و از میزان سازگاری و رضایت آنها از ازدواج می کاهند. هدف پژوهش حاضر ساخت و بررسی ویژگی های پرسشنامه ی آسیب های تعاملی زناشویی مردان دارای شخصیت اجتنابی بود. بدین منظور، در ابتدا با مطالعه متون مربوطه و با اجرای ۱۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته در قالب پژوهش کیفی، مقوله های مربوط به ساخت آزمون مشخص شد و بر اساس آنها پرسشنامه ای تدوین گردید. سپس از بین مردان متأهلی که به مراکز مشاوره شهر کرد مراجعه کرده بودند، ۲۰۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب و پرسشنامه ساخته شده بر روی آنها اجرا گردید. جهت تعیین پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و برای تعیین اعتبار از پرسشنامه های تعارضات زناشویی و رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. داده های به دست آمده مورد تحلیل اکتشافی قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون برابر با ۰/۹۶، ضریب اعتبار همگرای آن با پرسشنامه تعارضات زناشویی ۰/۷۸ و ضریب اعتبار واگرا با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۰/۸۵ بود. نتیجه آنکه پرسشنامه پژوهشگر ساخته دارای پایایی و اعتبار قابل قبولی است و توان شناسایی آسیب های تعاملی مردان اجتنابی را در

۱. دکتری رشته مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان

۲. * استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان، r.jazayeri@edu.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان

۴. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان

پژوهش‌های بالینی و درمان‌های زوجی دارد. ارزش این پژوهش به طراحی پرسشنامه‌ای بومی و متناسب با فرهنگ ایرانی برای تشخیص افراد دارای شخصیت اجتنابی است.

واژگان کلیدی: آسیب‌های تعاملی زناشویی، پرسشنامه، پایایی، اعتبار، مردان اجتنابی

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران از دیرباز، اندازه‌گیری و ارزیابی تعاملات زناشویی بوده است (راست، بنون، گرو و گلوبک^۱، ۱۹۹۰؛ لیندبرگ، فاگت و توماس^۲، ۲۰۱۲؛ شی، والپر و والپر^۳، ۲۰۱۴). در همین راستا، از دهه ۱۹۷۰، پژوهش‌های منظمی در رابطه با تعاملات زناشویی به وسیله روش‌های مشاهده‌ای آغاز گردید و در سال‌های بعد سیستم‌های کدگذاری متعددی به وجود آمدند (فیلسینگر^۴، ۱۹۸۳). اگرچه این روش‌ها ارزیابی‌های قابل‌قبولی را از تعاملات زناشویی ارائه می‌دادند، ولی از معایبی نیز برخوردار بودند. به عنوان نمونه، پرهزینه و وقت‌گیر بودند. همچنین، ضبط تعاملات زوجین در آزمایشگاه موجب می‌شد که تعاملات زوجین شکلی مصنوعی به خود بگیرد (الدریج و کریستنسن^۵، ۲۰۰۲).

کریستنسن و سولاوی^۶ (۱۹۸۴) با هدف رفع محدودیت‌های روش مشاهده، پرسشنامه الگوهای ارتباطی^۷ را طراحی نمودند. این پرسشنامه ۳۵ گوی‌های یک ابزار خودگزارشی است که ارتباط زوجین را در سه مرحله خاص از تعارض می‌سنجد: وقتی مسئله یا مشکلی رخ داده، به هنگام بحث در مورد آن و پس از بحث. کریستنسن و شنک^۸ (۱۹۹۱) سه الگوی ارتباطی را به

1. Rost, Bennun, Grove & Golombok
2. Lindberg, Fugett & Thomas
3. Shi, Wampler & Wampler
4. Filsinger
5. Eldrige & Christensen
6. Sullaway
7. Communication Patterns Questionnaire (CPQ)
8. Shenk

عنوان مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی مدنظر قرار دادند: خرده‌مقیاس ارتباط سازنده^۱ (هر دو به گفتگو درباره مشکل می‌پردازند و احساسات خود را بیان می‌کنند)، خرده‌مقیاس مطالبه - کناره‌گیری^۲ (یکی از همسران انتقاد می‌کند، غر می‌زند و درخواست می‌کند، درحالی که دیگری اجتناب از مواجهه و سکوت را برمی‌گزیند)؛ و خرده‌مقیاس اجتناب متقابل^۳ (هر دو از پرداختن به موضوع و هرگونه تماس بدنی و عاطفی، حتی در زمان‌های بعد از تعارض اجتناب می‌کنند. زوج‌درمانگران الگوی مطالبه - کناره‌گیری را رایج‌ترین شیوه ارتباطی در زوجینی که به دنبال درمان هستند، شناسایی کرده‌اند که ارتباطی قوی با نارضایتی از ازدواج دارد (دیکرسون و زوکلا^۴، ۲۰۱۳).

الگوهای ارتباطی ذکر شده، همانند سایر رفتارها، باید با توجه به زمینه و بافت فرهنگی مورد مطالعه قرار بگیرد. کریستنسن و همکاران (۲۰۰۶) جهت بررسی همسانی بین فرهنگی الگوهای ارتباطی زوجین، مطالعه خود را در چهار کشور ایتالیا، ایالات متحده، تایوان و برزیل اجرا نمودند. نتایج پژوهش‌های آنها نشان داد که در هر چهار کشور، رضایتمندی زناشویی با الگوی ارتباط سازنده رابطه مستقیم و با الگوی مطالبه - کناره‌گیری رابطه معکوس دارد. همچنین، فراوانی الگوی زن - مطالبه / شوهر - کناره‌گیر^۵ بیشتر از الگوی شوهر - مطالبه / زن - کناره‌گیر بود. این یافته‌ها نشان دادند که به طور کلی، زنان در مقایسه با مردان خواهان نزدیکی بیشتر هستند. به اعتقاد گاتمن و لونسون^۶ (۲۰۰۰) نیز در بسیاری از ازدواج‌های آشفته یک الگوی زن - مطالبه / شوهر - کناره‌گیری وجود دارد. این الگو با درخواست‌های زن در تعارض مشخص می‌گردد که با کناره‌گیری عاطفی یا فیزیکی مرد پاسخ داده می‌شود. کوران، اگولسکای، هازن

-
1. Constructive Communication Subscale
 2. Demander-Withdraw
 3. Mutual avoiding
 4. Dickerson & Zoccola
 5. wife-demand/husband-withdraw pattern
 6. Levenson

و بوش^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وقتی مشکلی پیش می‌آید، زن‌ها با احتمال بیشتری شروع به گفتگو درباره موضوع تعارض می‌کنند و تا حل و فصل موضوع به گفتگو ادامه می‌دهند. ولی مردها معمولاً موضوع را نادیده می‌گیرند. این عمل شیوه مناسبی برای مقابله با تعارض نیست. با این حال، اجتناب کردن از تعارض به طور کامل، آسیب بیشتری به رابطه می‌زند. مطالعات الدریج، سویر، جونز، اتکینز و کریستنسن^۲ (۲۰۰۷) بر روی پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که الگوی مطالبه - کناره‌گیری با سایر جنبه‌های اساسی ازدواج نیز مرتبط است؛ از جمله: تفاوت در قدرت و خشونت، تفاوت در تمایل به صمیمیت و استقلال، نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار.

هنری و میلر^۳ (۲۰۰۴) آسیب‌های تعاملی^۴ بین زوجین را این‌گونه تعریف می‌کنند: «مجموعه عواملی که موجب ایجاد تعارض و اختلاف بین زن و شوهر می‌شوند، از میزان رضایت و سازگاری آنها می‌کاهند، مانع عملکرد طبیعی در زندگی زناشویی می‌گردند و حتی ممکن است رابطه زناشویی را به طلاق و جدایی بکشانند.»

برخی از نظریه‌پردازان جهت بررسی آسیب‌های تعاملی به تأثیر اختلالات شخصیت در روابط همسران پرداخته‌اند و بر روی الگوها و چرخه‌های ارتباطی زوجین مبتلا به اختلالات شخصیت مطالعه کرده‌اند. به عنوان نمونه، نرس^۵ (۱۹۹۹) معتقد است یکی از الگوهای متداول در بین زوج‌های پاتولوژیک، الگوی زن وسواسی - مرد اجتنابی/وابسته است. در این الگو زن کمال‌گرا، سخت‌گیر و کنترل‌کننده و چسبنده است و دائماً انتقاد می‌کند و مرد از مواجهه دوری می‌نماید؛ و با اینکه به روابط نزدیک احساس نیاز می‌کند به خاطر ترس از طرد شدن، از همسر خود فاصله گرفته و اجتناب را بر می‌گزیند.

-
1. Curran, Ogolsky, Hazen & Bosch
 2. Eldrige, Sevier, Jones, Atkins & Christensen
 3. Henry & Miller
 4. interaction pathology
 5. Nurse

ویژگی بارز سبک شخصیت اجتنابی^۱، الگوی فراگیر کمرویی اجتماعی، احساسات عدم-کفایت و حساسیت بیش از حد نسبت به ارزیابی منفی دیگران است. سبک شخصیت اجتنابی از روابط بین فردی نزدیک و موقعیت‌های اجتماعی، اجتناب می‌کند که این مسئله به دلیل ترس از شرمندگی و آسیب دیدن از جانب دیگران است. این افراد معمولاً برای نیاز خود جهت خودداری کردن از روابط بین فردی ضروری، از توجیه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. این افراد در مواقع بحرانی، کناره‌گیری همراه با بی‌تفاوتی را انتخاب می‌کنند (رودباق و گیانولی^۲، ۲۰۱۰). وجود این اختلال موجب آسیب‌های جدی و مزمن در عملکرد بین فردی و شغلی می‌گردد (وینبرت^۳ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ و آشفتگی شدید در روابط بین فردی، منجر به محدودیت‌های عمده در توان عملکردی شخص می‌شود (تاناکا^۴ و همکاران، ۲۰۱۶).

دیماغیو، نیکولو، سمراری و کارسیونه^۵ (۲۰۱۳) در بررسی خود بر روی افراد اجتنابی متوجه شدند که این افراد فاقد مهارت‌های فراشناختی نظارت بر عقاید و هیجانات هستند و ارتباط بین آنها و متغیرهای رفتاری و محیطی را نمی‌توانند تشخیص دهند. به عقیده این پژوهشگران اجتنابی‌ها در این حوزه‌ها دارای مشکل هستند: (الف) نظارت یعنی شناسایی و تشخیص مولفه‌های حالت‌های ذهن (افکار و هیجانات)؛ (ب) شناسایی دلایل حالت‌های خود، چه درونی (اضطراب ناشی از عقیده‌ی دیگری) یا رابطه‌ای (همسر طردکننده)؛ (ج) غلبه بر تجارب سخت؛ و (د) تمرکززدایی^۶. اجتنابی‌ها دارای الکسی‌تایمی^۷ هستند؛ یعنی در بسیاری از موقعیت‌ها در مشخص کردن حالت‌های ذهن و انگیزه‌ی رفتارشان مشکل دارند. در نتیجه قادر به توصیف محتوای رنج‌شان نیستند.

1. avoidant personality disorder
2. Rodebaugh & Gianoli
3. Weinbrecht
4. Tanaka
5. Dimaggio, Nicolò, Semerari & Carcione
6. decentering
7. alexithymia

افراد اجتنابی در روابطشان با دیگران (حتی خویشاوندان نزدیک)، به خاطر ترس زیاد از مورد تمسخر واقع شدن، به شدت خودشان را بازداری و کنترل می‌کنند. اضطراب اجتماعی آنها برای دیگران کاملاً مشهود است. آن‌ها از نگاه دیگران متواضع، کمرو و مردد به نظر می‌رسند. کمرویی آنها سرشار از احساسات بی‌لیاقتی و عزت نفس پایین است. آن‌ها بر این باورند که قادر نیستند بر اضطراب اجتماعی‌شان غلبه کنند، برای همین اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی را بر می‌گزینند (سگال، کولیدج و روزووسکی، ۲۰۰۶).

زندگی در کنار یک فرد اجتنابی بسیار خسته‌کننده است، چرا که شخصیت اجتنابی همواره نیاز به اطمینان‌دهی و پذیرش نامشروط دارد، بدون اینکه خودش نیز متقابلاً چنین احساس مسئولیتی بکند. به همین خاطر، همسر او از یک سو در نتیجه تلاش دائم برای ارضای نیازهای او و از سوی دیگر، نادیده گرفته شدن نیازهای عاطفی و اجتماعی خودش، دچار احساس خستگی، رنجش و خشم می‌شود. حتی در همان اوایل آشنایی نیز، کمرویی شخصیت اجتنابی و ترس او از برقراری رابطه صمیمانه می‌تواند برای همسرش عذاب‌آور باشد. چنین افرادی از نمایان کردن خودشان سخت وحشت دارند، زیرا همواره به خودشان تلقین کرده‌اند که دیگران تمایلی به دیدن دنیای درونی آنها ندارند. (جانسون و موری، ۲۰۰۷). همسران قربانی رابطه با مردان دارای شخصیت اجتنابی گزارش می‌کنند که از دریافت حمایت عاطفی از شوهرشان بسیار ناامید هستند (کارول، نلسون، یورگاسون، هارپر، اشتون و جنسن، ۲۰۱۰).

به باور فینی^۴ (۲۰۱۱) در تعیین عوامل تأثیرگذار بر روابط زناشویی، اجتناب بعد مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. ارزیابی‌های فرافرهنگی بیانگر ماهیت جهانی^۵ این الگو است (الدریج و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌های گاتمن (۱۹۹۸) نشان می‌دهد در ۸۵ درصد از دواج‌ها، این مردها

-
1. Segal, Coolidge & Rosowsky
 2. Johnson & Murray
 3. Carroll, Nelson, Yorgason, Harper, Ashton & Jensen
 4. Feeney
 5. ubiquitous

هستند که رفتار اجتنابی را درپیش می‌گیرند که دلیل آن به میراث تکاملی مردان بر می‌گردد. در این الگو معمولاً زن مطالبه‌کننده و مرد کناره‌گیر است که سعی می‌کند با اجتناب کردن، پیروز میدان تعارض باشد. با توجه به مشکلات عدیده‌ای که مردان اجتنابی، چه به صورت فردی و چه در روابط زناشویی، تجربه می‌کنند و به دلیل اهمیت شناسایی و تعدیل ویژگی‌های اجتنابی، ضرورت وجود یک ابزاری تشخیصی برای شناسایی این افراد در جمعیت بهنجار و متناسب با فرهنگ ایران کاملاً محرز است. فقدان چنین ابزاری، پژوهشگران را ملزم به تهیه این پرسشنامه نمود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی - اکتشافی است. در مرحله اول از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. دلیل به کارگیری این روش، تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با نمونه موردنظر و کشف آسیب‌های تعاملی افراد دارای شخصیت اجتنابی بود.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر طبق مراحل زیر انجام شد. ابتدا از بین منابع و پیشینه‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع شخصیت اجتنابی محدود به سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ (منابع الکترونیکی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مجلات) منابع به تعداد لازم تا حد اشباع مقوله‌ها انتخاب شدند. علاوه بر آن، ۱۴ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. این افراد با روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ انتخاب شدند؛ چراکه مقصود، دستیابی به حداکثر اطلاعات ممکن درباره پاسخ سؤالات پژوهش بود. از آنجایی که در روش تحقیق کیفی، جهت دستیابی به اشباع اطلاعات، پژوهشگر بیش از یک دفعه نسبت به گردآوری داده‌ها اقدام می‌کند، حجم نمونه پژوهش از قبل تعیین نگردید. داده‌های این بخش، از مطالعه‌ی متون علمی مربوط به شخصیت اجتنابی و همچنین مصاحبه با متخصصان خانواده و ازدواج و مردان دارای شخصیت اجتنابی و همسران آنها جمع‌آوری گردید تا هدف مورد نظر

1. purposeful sampling

یعنی اشباع مقوله‌ها، حاصل شود. نمونه‌ها با توجه به حداکثر تنوع در داده‌ها انتخاب شدند و تا زمانی که اشباع اطلاعاتی حاصل شد ادامه داشت. برای انجام مصاحبه‌ها از بین افرادی که واجد ملاک‌های ورود (تشخیص شخصیت اجتنابی در شوهر، عدم تشخیص اختلال‌های بالینی، عدم ابتلا به سوء مصرف مواد و الکل و عدم دریافت داروهای روانپزشکی، عدم مراجعه به دادگاه برای طلاق در زمان اجرای پژوهش، عدم شرکت در دوره‌های مشاوره یا درمان هم‌زمان، مدت ازدواج بیشتر از یک سال، تحصیلات بالاتر از دیپلم) به نمونه بودند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، با بهره‌گیری از آزمون‌های تشخیصی مناسب برای شخصیت اجتنابی و با مشخص کردن ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و دلایل اصلی مراجعه به مراکز مشاوره (تمایل به جدایی، نارضایتی زناشویی، روابط فرازناشویی) تا حد اشباع اطلاعات انتخاب شدند. ۱۴ مصاحبه با همکاری ۵ متخصص خانواده و ازدواج که دارای حداقل پنج سال سابقه کار با زوج‌های اجتنابی بودند و ۹ مرد دارای شخصیت اجتنابی و همسران آنها صورت گرفت. داده‌های جمعیت‌شناختی مردان نمونه نشان داد که حداقل سن آنها ۲۴ و حداکثر ۴۵ (میانگین ۳۶/۸۸) و سنوات تأهل آنها حداقل ۱ و حداکثر ۲۵ سال (میانگین ۱۰/۳۳) بود. حداقل سن در همسران آنها ۲۴ و حداکثر ۴۷ (میانگین ۳۴/۴۴) را نشان می‌داد. پس از توضیحی مختصر در مورد علل انجام پژوهش و اطمینان‌بخشی از محرمانه بودن مصاحبه‌ها به مشارکت‌کنندگان، رضایت آنها برای استفاده از ضبط صوت حاصل گردید. زمان انجام مصاحبه تابع شرایط و دامنه آن از ۴۰ تا ۷۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها با پرسش کلی مثل (زندگی زناشویی‌تان چگونه است؟) آغاز و سپس با توجه به فرایند مصاحبه پیش می‌رفت. سوال‌ها بر اساس اصول مصاحبه نیمه ساختاریافته در یک راهنمای مصاحبه با تمرکز بر روی مسائل یا حوزه‌های تحت پوشش، گنجانده می‌شد. توالی پرسش‌ها برای همه شرکت‌کنندگان یکسان نبود و به فرایند مصاحبه و پاسخ هر فرد بستگی داشت؛ اما راهنمای مصاحبه به پژوهشگر این اطمینان را می‌داد که انواع مشابهی از داده‌ها را از همه آگاهی‌دهندگان گردآوری کند.

سایر سؤالات حوزه‌های زیر را مورد بررسی قرار می‌داد. تعارض و نحوه مدیریت آن (نوع تعارض، شدت و فراوانی تعارض‌ها، نحوه حل آنها)، سبک ارتباطی و تعاملی زوجین (قهر، طرد، رابطه تعقیب - گریز، اجتناب و کناره‌گیری، پرخاشگری، تحقیر، سرزنش، شکایت، مثلث‌سازی با فرزندان، خانواده اصلی یا کار)، اشتغال و تأثیر آن در رابطه (ثبات شغلی، ارتباط با همکاران، رضایت شغلی)، ارتباط با جامعه و تأثیر آن در رابطه (رعایت آداب اجتماعی، رعایت ارزش‌های فرهنگی، پای‌بندی به سنت‌ها)، عوامل مذهبی، سیاسی و فرهنگی (پای‌بندی به اعتقادات مذهبی، گرایش‌های سیاسی افراطی)، فرزندان (کمیت و کیفیت ارتباط با فرزند، مثلث‌سازی، طرد)، تعهد و پای‌بندی به ازدواج (روابط فرازناشویی)، هیجان و ارتباط هیجانی (بیان احساسات، درک احساسات همسر، ثبات هیجانی، مهرورزی، افسردگی و اضطراب)، رابطه‌ی جنسی (میزان تمایل و علاقه، فراوانی و شدت رابطه)، تفکر و باورها (خطاهای شناختی، تعبیر و تفسیرها، استدلال‌ها)، رفتار در زمینه‌ی مالی (مدیریت مالی، دخل و خرج، خساست)، ارتباط با دوستان (انزوا و عدم دوستی، میزان تمایل به رفت و آمد با دوستان)، خانواده‌ی اصلی و خانواده همسر (میزان ارتباط، تمایل به ارتباط، وابستگی و چسبندگی)، مسئولیت‌پذیری و مدیریت (همکاری در انجام وظایف منزل، نظم و انضباط، برنامه‌ریزی، وظیفه‌شناسی، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت)، مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی (تماس چشمی، حفظ حرمت در گفتار، تن صدا، حالات چهره، حالات بدن)، رفتار (رفتارهای مخرب مانند پرخاشگری، سوء‌مصرف مواد، الکل، ضرب و شتم) و نوع مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده.

جهت بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها، از مراحل تحلیل تماتیک کیفی استفاده شد. جهت انجام تحلیل تماتیک، متن مصاحبه با شرکت‌کنندگان ضبط و پیاده‌سازی شد. متن مصاحبه‌ها چندین بار مرور شد و واحدهای معنی که کلماتی کلیدی یا طبقه‌های تجزیه و تحلیلی هستند، از آنها استخراج گردید. داده‌های به دست آمده در ۲۰ مقوله طبقه‌بندی شدند. این مقوله‌ها عبارت بودند از: «خودحقیرپنداری، انفعال رفتاری، خودمحوری

ناسازگارانه، ظاهر اجتماع‌پسند، جسمانی کردن، کناره‌گیری، جمع‌هراسی، اسارت عواطف، منفعل - مهاجم، کم‌حرکی بیانی، بینش بدون تعمق، گویش توجیهی، انفعال جنسی، تغییر‌گریزی، خانه‌های سرد احساسی، کمال‌گرایی جبری، آسیب‌فراگیر، فرسودگی زناشویی، تنگ‌نظری مالی و دوسوگرایی».

در مرحله‌ی دوم پژوهش، به منظور تهیه پرسشنامه‌ای برای سنجش آسیب‌های تعاملی مردان اجتنابی، بر اساس این مقوله‌های ۲۰ گانه، ۹۶ گویه طرح گردید. جهت اعتباربخشی دست‌نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و مقوله‌های تحلیل‌شده و گویه‌های طرح‌شده از چند پژوهشگر ورزیده که دارای مدرک علمی مرتبط و تجربه کار در درمان مشکلات زناشویی بودند، خواسته شد تا نظر خود را در مورد آنها اعلام نمایند؛ سپس اصلاحات لازم انجام گرفت. در فرایند بررسی و بازبینی اطلاعات از متخصصان خانواده و ازدواج در دانشگاه اصفهان نیز کمک گرفته می‌شد. صرف زمان کافی برای پژوهش و ارتباط همدلانه با مصاحبه‌شوندگان نیز از دیگر عوامل مورد نظر جهت افزایش اعتبار داده‌ها بود. جهت سنجش اعتبار محتوایی و اعتبار گویه‌ها، از پنج نفر از متخصصان روانشناسی خواسته شد تا آنها را مورد بررسی قرار داده و اعلام نظر کنند.

هدف از بررسی متخصصان همخوانی گویه‌های پرسشنامه با مقوله‌های به دست آمده بود. برای به دست آوردن پایایی آزمون، پرسشنامه‌ی اولیه بر روی یک گروه ۵۵ نفری از مردان متأهل اجرا گردید. از این میان ۴۷ پرسشنامه تکمیل‌شده، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. سپس پرسشنامه حاصل‌شده بر روی جامعه آماری اجرا گردید. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه مردان متأهل با علائم شخصیت اجتنابی در شهرکرد تشکیل می‌دادند. نمونه‌ی پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از مردان متأهل دارای شخصیت اجتنابی بودند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه‌ها بدون نام و شامل اطلاعاتی درباره سن، سن در زمان ازدواج، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، شغل، میزان تحصیلات و شغل و میزان تحصیلات همسر بود.

در این پرسشنامه از آزمودنی‌ها خواسته شد میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌ها بر روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) مشخص کنند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های متعارف آزمون‌سازی از جمله تعیین ضریب اعتبار، تحلیل عوامل و محاسبه‌ی ضرایب پایایی استفاده گردید. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه اجتناب تعاملی، از روش آلفای کرونباخ، به تحلیل پایایی هر یک از سؤالات پرسشنامه پرداخته شد. نتیجه تحلیل نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای مردان دارای شخصیت اجتنابی ۰/۹۶ بود که بیانگر پایایی مطلوب است. برای تعیین اعتبار از روش محاسبه‌ی اعتبار محتوایی، تحلیل عوامل و اعتبار همگرا و واگرایی پرسشنامه تعارضات زناشویی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد.

پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی توسط ثنایی و براتی و به منظور سنجش تعارض‌های زن و شوهری ساخته شد (ثنایی، ۱۳۸۷). این پرسشنامه دارای ۴۲ سؤال می‌باشد. بیشترین نمره‌ی کل پرسشنامه ۲۱۰ و کمترین نمره آن ۴۲ است. این پرسشنامه تعارضات زوج‌ها را در هفت زمینه می‌سنجد و شدت تعارضات زناشویی را برآورد می‌کند. پایایی کل این پرسشنامه برابر با ۰/۹۵ و برای هفت مؤلفه آن به ترتیب زیر به دست آمد: «کاهش همکاری» ۰/۹۰، «کاهش رابطه جنسی» ۰/۸۲، «افزایش واکنش هیجانی» ۰/۹۵، «افزایش رابطه با خانواده» ۰/۹۵، «افزایش جلب حمایت فرزندان» ۰/۹۰، «کاهش رابطه با همسر» ۰/۸۵ و «جداکردن امور مالی از یکدیگر» ۰/۹۲ محاسبه شد.

پرسشنامه انریچ یک ابزار ۱۱۵ سوالی است که برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا، با شناسایی زمینه‌های قوت و غنی‌سازی رابطه زناشویی به کار می‌رود. این پرسشنامه توسط السون، فورنیر و دراگمن^۱ ساخته شد (ثنایی، ۱۳۸۷). سلیمانیان (۱۳۷۴) فرم کوتاه ۴۷ سوالی این پرسشنامه را ترجمه و همبستگی درونی آزمون را در جمعیت ایرانی ۰/۹۵ گزارش کرده است. ضریب همبستگی این پرسشنامه با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت

1. Olson, Fournier & Druckman

از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه اعتبار سازه آن است. همچنین، ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمده است. اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته، برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴ و برای مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمده است (ثنایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش جهت تعیین اعتبار واگرا از فرم کوتاه آزمون (سلیمانان، ۱۳۷۴) استفاده شد.

نمونه‌ی پژوهش حاضر ۲۰۰ مرد متأهل با علائم شخصیت اجتنابی بودند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. برآورد تعداد نمونه از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران انجام شد. داده‌های جمعیت‌شناختی بیانگر آن است که حداقل سن در گروه نمونه ۲۳ و حداکثر ۴۹ (میانگین ۳۴/۶۳) و سنوات تأهل حداقل ۱ و حداکثر ۲۹ سال (میانگین ۱۱/۴۱) بود. میزان تحصیلات آنها حداقل زیر دیپلم (۵/۱ درصد) و حداکثر دکترای تخصصی (۳/۴ درصد) بود. میزان مناسب بودن یا کفایت گروه نمونه با آزمون کیسر، مایر و الکین^۱ (KMO) مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به مقدار سطح معناداری مشخص شد که حجم نمونه از کفایت لازم برخوردار است.

جدول ۱. شاخص KMO و بارتلت

شاخص KMO	آزمون بارتلت
۰/۵۶۵	آماره کای دو
	درجه آزادی
	سطح معناداری
	۹۰۸۵/۵۳۵
	۴۵۶۰
	۰/۰۰۰

در تحلیل عاملی اکتشافی با ارزش بالای یک، ۲۰ عامل به دست آمد که در مجموع ۶۰/۴۷ درصد واریانس کل سؤالات را تبیین می‌کردند. پس از انجام تحلیل عاملی، پایایی پرسشنامه در هر یک از شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و مقادیر آلفای کرونباخ برای هر شاخص تعیین شد. در برخی از شاخص‌های پرسشنامه، حذف برخی از سؤالات مربوطه موجب افزایش ضریب

1. Keiser, Mayer & Olkin (KMO)

آلفای کرونباخ شد. با توجه به مقادیر آلفای کرونباخ (بزرگ‌تر از ۰/۶۵) برای هر شاخص، پایایی پرسشنامه تأیید می‌گردد. نتایج تحلیل عاملی و مقادیر آلفای کرونباخ در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتیجه تحلیل عاملی و مقادیر آلفای کرونباخ شاخص‌های پرسشنامه

عامل‌ها	سؤالات مربوطه	تعداد سؤالات	مقدار آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ پس از تصحیح سؤالات
خودحقیق‌پنداری	سؤالات ۴۰ تا ۴۵	۶	۰/۸۰۱	۰/۸۲۲
گویش توجیهی	سؤالات ۵۶ تا ۶۰	۵	۰/۷۵۸	۰/۷۸۰
بینش بدون تعمق	سؤالات ۷۶ تا ۷۹	۴	۰/۷۳۱	۰/۷۷۲
کمال‌گرایی جبری	سؤالات ۲۱ تا ۲۶	۶	۰/۸۵۹	-
جسمانی کردن	سؤالات ۲۸ تا ۳۳	۶	۰/۷۹۴	۰/۸۱۴
جمع‌هراسی	سؤالات ۵۱ تا ۵۵	۵	۰/۷۶۳	۰/۷۸۷
اسارت عواطف	۱۳ - ۲۰ - ۲۷	۳	۰/۷۴۲	-
دوسوگرایی	۹۵ - ۹۶	۲	۰/۷۲۶	-
آسیب‌فراگیر	سؤالات ۳۴ تا ۳۹	۶	۰/۷۹۷	۰/۸۲۵
کناره‌گیری	سؤالات ۱ تا ۱۲	۱۳	۰/۸۹۵	۰/۹۰۳
کم‌تحرکی بیانی	سؤالات ۷۱ تا ۷۵	۵	۰/۷۶۷	۰/۷۸۶
ظاهر اجتماع‌پسند	۹۳ - ۹۴	۲	۰/۶۶۷	-
انفعال رفتاری	سؤالات ۸۹ تا ۹۲	۴	۰/۲۷۵	۰/۷۶۷
منفعل - پرخاشگر	سؤالات ۶۱ تا ۶۵	۵	۰/۷۶۰	۰/۷۸۱
تغییر‌گریزی	سؤالات ۶۶ تا ۷۰	۵	۰/۷۹۴	۰/۸۲۴
فرسودگی زناشویی	سؤالات ۴۶ تا ۵۰	۵	۰/۷۶۸	۰/۷۹۲
خودمحوری ناسازگارانه	سؤالات ۱۴ تا ۱۹	۶	۰/۸۱۲	-
خانه‌های سرد احساسی	۸۶ - ۸۷ - ۸۸	۳	۰/۷۳۱	-
انفعال جنسی	۸۰ - ۸۱ - ۸۲	۳	۰/۷۶۹	-
تنگ‌نظری مالی	۸۳ - ۸۴ - ۸۵	۲	۰/۷۵۰	۰/۷۶۳

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، تعداد گویه‌های باقی‌مانده ۸۲ سؤال است؛ بدین معنا که ۱۴ سؤال به دلیل دارا نبودن شرایط از پرسشنامه حذف شدند. سؤال‌های حذف‌شده در عامل‌های خودحقیق‌پنداری، گویش توجیهی، بینش بدون تعمق، جسمانی کردن، جمع‌هراسی، آسیب فراگیر، کناره‌گیری، کم‌حرکی بیانی، منفعل - پرخاشگر، تغییر‌گریزی، فرسودگی زناشویی، تنگ‌نظری مالی هر کدام یک سؤال و در عامل انفعال رفتاری دو سؤال بود. گویه‌های ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۷، ۵۳، ۵۶ و ۵۸ طوری طرح شدند که به شکل معکوس نمره‌گذاری شوند. حداقل نمره در این پرسشنامه ۸۲ و حداکثر آن ۴۱۰ بود که از جمع نمرات حاصل می‌شد (جدول ۴). نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان بیشتر اجتناب است.

به منظور بررسی اعتبار همگرا و واگرای پرسشنامه پژوهشگر ساخته، از پرسشنامه تعارضات زناشویی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد و سپس ضریب همبستگی بین آنها محاسبه گردید (جدول ۳). داده‌های حاصل‌شده بیانگر اعتبار همگرا و واگرای قابل قبول پرسشنامه آسیب‌های تعاملی افراد دارای شخصیت اجتنابی بود.

جدول ۳. همبستگی بین پرسشنامه پژوهشگر ساخته

با پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی و انریچ در سطح $p < 0.001$

پرسشنامه‌ها	پژوهشگر ساخته	تعارضات زناشویی	رضایت زناشویی انریچ
پژوهشگر ساخته	۱	۰/۷۸	-۰/۸۵
تعارضات زناشویی	.	۱	-۰/۶۷
رضایت زناشویی انریچ	.	.	۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به تأثیر مخرب اجتناب در روابط زناشویی و به منظور پرکردن خلاء وجود ابزاری برای سنجش میزان این اجتناب صورت گرفته است تا بستر مناسب جهت پژوهش، ارزیابی

و درمان آسیب‌های تعاملی زناشویی فراهم گردد. چراکه به گفته آریتا^۱ (۲۰۰۸) شیوه مقابله با تعارض اکتسابی است و می‌توان آن را تغییر داد. از این رو می‌توان با فراهم نمودن فرصت‌های آموزشی، به زوجین دارای الگوی مطالبه - کناره‌گیری کمک کرد تا شیوه‌های مخرب و ناکارآمد مقابله با آسیب‌های تعاملی خود را تغییر دهند و شیوه‌هایی کارآمدتر به کار بگیرند. همبستگی مثبت این پرسشنامه با پرسشنامه تعارضات زناشویی بیانگر اعتبار همگرا و همبستگی منفی آن با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بیانگر اعتبار واگرایی این پرسشنامه است. نتایج تحلیل عاملی حکایت از اعتبار عاملی این پرسشنامه دارد و نشان داد که ۲۰ عامل به دست آمده در مجموع ۶۰/۴۷ درصد از آسیب‌های تعاملی افراد اجتنابی را ارزیابی و تبیین می‌کند. عامل‌های به دست آمده در تحلیل عاملی با مقوله‌های حاصل شده در بخش کیفی پژوهش کاملاً همخوان هستند. این عامل‌ها عبارتند از: «خودحقیرپنداری، انفعال رفتاری، خودمحوری ناسازگارانه، ظاهر اجتماع‌پسند، جسمانی کردن، کناره‌گیری، جمع‌هراسی، اسارت عواطف، منفعل-مهاجم، کم‌حرکی بیانی، بینش بدون تعمق، گویش توجیهی، انفعال جنسی، تغییر‌گریزی، خانه‌های سرد احساسی، دوسوگرایی، کمال‌گرایی جبری، آسیب‌فراگیر، فرسودگی زناشویی و تنگ‌نظری مالی».

عامل خودحقیرپنداری به این ویژگی اشاره دارد که افراد دارای شخصیت اجتنابی توانایی‌های خود را در حدی نمی‌دانند که در جمع در مورد آنها صحبت کنند. آن‌ها خود را از نظر اجتماعی بی‌کفایت و غیر دوست‌داشتنی می‌دانند و نگاه تحقیرآمیزی به خود دارند. این افراد اعتماد به نفس و احساس کفایت بسیار پایینی دارند. این ویژگی در متون روانشناختی با عبارت‌هایی همچون احساس عدم کفایت و احساس شرمندگی در برابر دیگران عنوان شده است (میلون، ۲۰۰۴؛ اسپری، ۲۰۰۳؛ جانسون^۲، ۱۳۸۸).

1. Arieta
2. Johnson

افراد اجتنابی تا زمانی که مشکلی به اوج خود نرسد به آن اهمیتی نمی‌دهند. همچنین برای گریز از مواجهه با مشکلات به خیال‌پردازی رو می‌آورند. خصیصه «انفعال رفتاری» به این موضوع اشاره دارد. اسپری (۲۰۰۳) معتقد است اشخاص اجتنابی کم‌کار هستند. به گفته جانسون (۱۳۸۸) این افراد به شیوه‌ای منفعلانه رفتار می‌کنند؛ و تپپی^۱ (۲۰۰۶) می‌گوید این افراد ممکن است از توانایی خویش برای تعامل با دیگران هیچ وقت استفاده نکنند. ویژگی دیگر افراد اجتنابی، «خودمحوری ناسازگارانه» است. آن‌ها در تعارض با همسرشان، خود را مقصر قلمداد نمی‌کنند و از همسرشان انتظار دارند برای تمام افکار و رفتارهای آنها احترام قائل شود. جانسون و موری (۲۰۰۷) بر این باورند که شخصیت اجتنابی همواره نیاز به اطمینان‌دهی و پذیرش غیرمشروط دارد بدون اینکه خودش چنین مسئولیتی را در رابطه احساس کند. دیماگیو (۲۰۱۵) در این رابطه از اصطلاح خودشیفتگی پنهان^۲، به معنای پناه بردن به خیال‌بافی در مورد عظمت خود استفاده می‌کند.

برخی از افراد اجتنابی کم‌رویی خود را به شکل علایم غیرکلامی و جسمانی نشان می‌دهند. آن‌ها اضطراب‌شان را در پشت مشکلات جنسی، نظیر ناتوانی مرد یا مقاربت دردناک زن به عنوان راهی برای فاصله گرفتن از همسر، پنهان می‌کنند (اسپری، ۲۰۰۳). این ویژگی در پژوهش حاضر «جسمانی کردن» نامیده شده است. افراد اجتنابی معمولاً در ظاهر، خود را دارای اعتماد به نفس نشان می‌دهند، وجهه اجتماعی خوبی در خارج از خانه دارند و در برابر دیگران رفتار محترمانه‌ای از خود به نمایش می‌گذارند. این خصیصه «ظاهر اجتماع پسند» نامیده شد. اصطلاحی که در پژوهش‌های قبلی دیده نمی‌شود و با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته با همسران مردان اجتنابی برای اولین بار در این پژوهش به کار گرفته شد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های افراد اجتنابی «کناره‌گیری» است. فرد اجتنابی تمایلی به مشارکت و توسعه روابط صمیمی ندارد. آن‌ها افراد صمیمی محدودی در زندگی خود دارند و

1. Tippie
2. covert narcissism

همواره به روابط آشنای خود پناه می‌برند. به گفته بینفلد^۱ (۲۰۱۱) این افراد خجالتی و ساکت هستند و انزوای اجتماعی در آنها رایج است. رودباق و گیانولی (۲۰۱۰) نیز معتقدند که ویژگی بارز اختلال شخصیت اجتنابی، الگوی فراگیر کمروبی اجتماعی است. شخصیت اجتنابی از روابط بین فردی نزدیک و موقعیت‌های اجتماعی، اجتناب می‌کند و در مواقع بحرانی، کناره‌گیری همراه با بی‌تفاوتی را انتخاب می‌کند. این ویژگی در پژوهش‌های میلون (۲۰۰۴)، اسپری (۲۰۰۳)، جانسون (۱۳۸۸) و دیماگیو و همکاران (۲۰۱۵) نیز دیده می‌شود. اجتنابی‌ها معمولاً نمی‌توانند در مقابل جمع اظهار نظر و از خود دفاع کنند. خصیصه «جمع‌هراسی» به این ویژگی اشاره دارد. به گفته میلون (۲۰۰۴) شخصیت‌های اجتنابی از مخاطره‌ای که موجب شود آنها در معرض دید عموم قرار بگیرند فرار می‌کنند.

افراد اجتنابی احساسات صمیمانه درباره ترس از در معرض دید قرار گرفتن، مورد استهزاء قرار گرفتن یا شرمندگی را پنهان می‌کنند (سگال و همکاران، ۲۰۰۶)؛ در این افراد فاصله گرفتن روشی برای مقابله با عصبانیت است (اسپری، ۲۰۰۳). این ویژگی با اصطلاح «اسارت عواطف» نامگذاری شده است. اجتنابی‌ها دارای ویژگی منفعل - مهاجم هستند. آنها با اینکه پرخاشگر نیستند ولی اگر کسی اصرار بر ورود به قلعه تنهایی آنها داشته باشد، ممکن است دست به رفتارهای پرخاشگرانه هم بزنند. دیماگیو (۲۰۱۵) در این باره می‌گوید رفتار این افراد از اطاعت و فرمانبرداری تا طغیان و آرزوی مفرط برای آزادی، در نوسان است، چرا که آنها قادر به رفتار جرأت‌مندانه نیستند.

از دیگر ویژگی‌های مردان دارای شخصیت اجتنابی «کم‌حرکی بیانی» است. آنها بسیاری از مسائل را با همسرشان در میان نمی‌گذارند. از احساسات خود سخن نمی‌گویند و در هنگام تعارض، خواسته و گلایه خود را بیان نمی‌کنند. جانسون (۱۳۸۸) معتقد است که این افراد احساسات‌شان را به زبان نمی‌آورند. به عقیده جانسون و موری (۲۰۰۷) نیز در روابط زناشویی

آنها، این همسر است که به او تلفن می‌زند، قرار ملاقات می‌گذارد یا در حسرت شنیدن کلمه‌ای عاشقانه و محبت‌آمیز از سوی او سر می‌کند. «بینش بدون تعمق» به این ویژگی اشاره دارد که افراد اجتنابی نسبت به اجتناب خود بینش کافی ندارند. به اعتقاد کانتور (۲۰۰۳) اجتناب کلیه امور زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی آنها هیچ جوابی برای دلیل احساس ناراحتی و نارضایتی از زندگی شان ندارند. بسیاری از آنها اجتناب خود را به عنوان چیزی که ترجیح می‌دهند یا مورد پسند خودشان است، توجیه می‌نمایند. دیماگیو و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی خود بر روی افراد اجتنابی متوجه شدند که این افراد فاقد مهارت‌های فراشناختی نظارت بر عقاید و هیجانات هستند و ارتباط بین آنها و متغیرهای رفتاری و محیطی را نمی‌توانند تشخیص دهند.

این افراد با داشتن ویژگی «گوش توجیهی» برای نیاز خود جهت خودداری کردن از روابط بین فردی ضروری، از توجیه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. به گفته کامینگز^۱ و همکاران (۲۰۱۳) آن‌ها برای کنترل یا به حداقل رساندن ناراحتی هیجانی مرتبط با روابط اجتماعی از استدلال عقلانی، تفکر بیش از حد انتزاعی یا تعمیم استفاده می‌کنند. فرد برای پنهان کردن انگیزه‌های واقعی افکار، اعمال یا هیجاناتش، توضیحاتی مفصل و نادرست ارائه می‌دهد این توضیحات معمولاً تضمین‌کننده‌ی انسجام و خوداطمینان بخشی هستند.

اصطلاح «انفعال جنسی» بدین معناست که اجتنابی‌ها تمایل چندانی به برقراری رابطه جنسی با همسرشان ندارند، فواصل بین رابطه‌ی جنسی آنها زیاد است و در هنگام رابطه تمایلی به انجام معاشقه ندارند. اصطلاح «تغییرگریزی» به این ویژگی اشاره دارد که این افراد در مورد مسائل خانوادگی و زوجی باورهای سنتی و شبیه به تفکرات خانواده اصلی‌شان دارند. در برابر سنت‌شکنی رسوم غلط، بسیار مقاوم هستند و یک برنامه روزانه از پیش تعیین شده دارند. کار (۲۰۱۲) عنوان می‌کند که زوج‌های اجتنابی نقش‌های جنسیتی سنتی را اتخاذ می‌کنند (به نقل از

زهراکار و جعفری، ۱۳۹۱). در راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی، ویرایش پنجم نیز عنوان شده که این افراد تمایلی به شروع فعالیت‌های جدید ندارند.

عامل «خانه‌های سرد احساسی» به این نکته اشاره دارد که این افراد از نظر هیجانی سرد و بی تفاوت هستند. انتظارات عاطفی همسرشان را برآورده نمی‌کنند، نسبت به عذاب کشیدن همسر در مقابل قهر کردن‌هایشان بی تفاوت هستند و ممکن است با فرزندان هم ارتباط صمیمی برقرار نکنند. آن‌ها بیشتر به اندیشه‌های فلسفی و مسائل و مباحث و برنامه‌های عقلانی - شناختی علاقمندند تا برنامه‌های هیجان‌زا و شادی‌آفرین. به گفته بملیس^۱ (۲۰۱۱) افراد اجتنابی هم از هیجان‌ات منفی و هم از هیجان‌ات مثبت دوری می‌کنند و آگاهی مبهمی از احساسات خود و دیگران دارند. فینی (۲۰۱۱) نیز معتقد است افراد اجتنابی معمولاً اندوه همسرشان، به خاطر رفتارهای آسیب‌رسان خود را درک نمی‌کنند، این امر موجب تشدید تعارض شده و مانع بهبود رابطه می‌گردد.

منظور از «دوسوگرایی» آن است که افراد اجتنابی هم علاقه درونی به نزدیک شدن و صمیمیت دارند و هم نیرویی آنها را از این امر باز می‌دارد. به اعتقاد کانتور (۲۰۰۳) اجتنابی‌ها روابط سطحی متعدد ولی روابط صمیمی و نزدیک اندکی دارند. این افراد به راحتی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند ولی به خاطر ترس از نزدیکی و صمیمیت و تعهد، در حفظ و تعمیق این روابط دچار مشکل هستند.

ویژگی کمال‌گرایی جبری به این امر اشاره دارد که افراد اجتنابی بسیار ایده‌آل‌گرا بوده و نمی‌توانند قبول کنند که حتی یک اختلاف نظر کوچک بین آنها و همسرشان وجود داشته باشد. برای همین، نسبت به گفتار و رفتار همسرشان حساسیت بیش از حد دارند. در راهنمای آماری و تشخیصی اختلال‌های روانی، ویرایش پنجم عنوان شده که آنها نسبت به طرد و انتقاد و ارزیابی

منفی از سوی دیگران مشغولیت ذهنی دارند و در ارتباط با حساسیت نسبت به مسائل کم اهمیت، اسپری (۲۰۰۳) عنوان می‌کند که افراد اجتنابی نسبت به خطرات بالقوه نگاهی مبالغه‌آمیز دارند. «آسیب فراگیر» به این خصیصه دلالت دارد که اجتناب در کلیه امور زندگی آنها تأثیر می‌گذارد؛ ناامیدی و یأس در آنها موجب رفتارهای باز دارنده و منفی می‌شود (اسپری، ۲۰۰۳). ناتوانی آنها در ابراز وجود و حل تعارض می‌تواند مشکلاتی جدی برای آنها به وجود بیاورد (ترانت،^۱ ۱۹۹۴)؛ و حتی مشکلاتی در تمرکز کردن روی تکالیف شغلی یا سرگرمی‌ها ایجاد نماید (برگین و گارفیلد^۲، ۱۹۹۴). انتخاب عبارت «فرسودگی زناشویی» برای این افراد از این بابت بود که آنها معمولاً از زندگی زناشویی خود رضایت چندانی ندارند و چون نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند، معمولاً تعارضات زناشویی‌شان حل نشده باقی می‌ماند. باری و لارنس^۳ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود پی بردند افرادی که در تعاملات زناشویی خود رفتارهای اجتنابی در پیش می‌گیرند، رضایت زناشویی اندکی دارند و در طول زمان از میزان این رضایت کاسته می‌شود.

ویژگی «تنگ‌نظری مالی» در افراد اجتنابی به این معناست که آنها با بهانه‌های مختلف از زیر هزینه کردن در زندگی طفره می‌روند و در مدیریت منابع مالی بسیار دقیق و حساب شده عمل می‌کنند. اصطلاح «تنگ‌نظری مالی» نیز مانند «انفعال جنسی» و «ظاهر اجتماع‌پسند» برای اولین بار در این پژوهش استفاده شده‌اند و در پژوهش‌های قبلی به چنین ویژگی‌هایی برای افراد اجتنابی اشاره نشده است. دلیل این امر گردآوری اطلاعات از همسران این افراد در بخش کیفی پژوهش و متخصصانی است که دارای سابقه کار با افراد دارای شخصیت اجتنابی بودند.

ویژگی‌های افراد دارای شخصیت اجتنابی بر کیفیت زندگی آنها و روابط بین فردی‌شان تأثیر منفی می‌گذارد. با توجه به این ویژگی‌ها، مزایای اجتنابی بودن عبارتند از: رهایی از ترس‌های

-
1. Truant
 2. Bergin & Garfield
 3. Barry & Lawrence

ارتباطی، داشتن عزت‌نفس، رهایی از بیماری‌های روان‌تنی، داشتن روابط صمیمی پایدار با دیگران، روابط زناشویی لذت‌بخش، فراهم شدن فرصت‌های رشد و شکوفاشدن استعدادها و دستیابی به موفقیت‌های حرفه‌ای؛ بنابراین، وجود ابزار برای شناسایی این ویژگی‌ها در افراد ضرورت خاصی پیدا می‌کند تا در نتیجه آن بتوان از طریق مشاوره و روان‌درمانی به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کرد.

بیست عامل به دست آمده در این پژوهش آسیب‌های تعاملی مردان اجتنابی در رابطه‌ی زناشویی را نشان می‌دهند. با وجود چنین ویژگی‌هایی، افراد اجتنابی علاوه بر اینکه فاقد آرامش و رضایت درونی هستند، قادر به برآورده کردن نیازهای عاطفی همسر خود نیستند. آن‌ها از پس مطالبات رابطه زناشویی بر نمی‌آیند و ازدواجی سرد و بی‌روح را برای خود و همسرشان به ارمغان می‌آورند. این در حالی است که کانون خانواده، برای رشد و بالندگی زن و شوهر و همچنین فرزندان، نیازمند فضایی عاطفی و پر شور و نشاط است؛ چیزی که از عهده افراد دارای شخصیت اجتنابی بر نمی‌آید و این امر مشکلات زناشویی عدیده‌ای برای آنها ایجاد می‌کند.

به طور یقین، برای برطرف کردن مشکلات زناشویی این افراد ابتدا باید به دنبال ارزیابی این عوامل بود و سپس به مداخلات لازم پرداخت. گویه‌های این پرسشنامه علاوه بر اینکه مبتنی بر مطالعه منابع بود، بر اساس مصاحبه با متخصصان خانواده و ازدواج و مردان دارای علائم شخصیت اجتنابی و همسران‌شان تهیه گردید، از این رو با فرهنگ جامعه ایران تطابق داشته و این امتیازی نسبت به پرسشنامه‌های مشابه قلمداد می‌گردد. همچنین این پرسشنامه یک پرسشنامه‌ی خودگزارشی محسوب می‌شود که می‌تواند ارزیابی آسیب‌ها را از دیدگاه مرد اجتنابی مشخص کند، هرچند بهتر است این ابزار با مصاحبه، مشاهده و گرفتن شرح حال از همسر تکمیل گردد، ولی در مواردی که حجم نمونه زیاد باشد، بیشترین کاربرد را دارد. با وجود آنکه طولانی بودن این پرسشنامه می‌تواند در پاره‌ای از مواقع از کاربردپذیری آن در موقعیت‌های پژوهشی بکاهد؛ در عوض، در کارهای بالینی می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی معتبر مورد استفاده قرار بگیرد.

با وجود آنکه این یافته‌ها جهت‌گیری معناداری به سمت کاربردهای آتی ارائه می‌دهد، ولی این مطالعه نیز همانند بسیاری از پژوهش‌ها، بدون محدودیت نبوده است. از جمله محدودیت‌ها در این پژوهش وابستگی نتایج به شرایط زوجین مورد مطالعه از جمله مکان، ویژگی‌های همسر و چرخه‌ی زندگی خانوادگی آنها بود. محدودیت دیگر عدم بررسی پویایی‌های کلی رابطه‌ی زناشویی آنهاست. در عین حال، این محدودیت‌ها از جمله‌ی ویژگی‌های پژوهش کیفی است که پژوهش را منحصر به فرد می‌کند. همچنین محدودیت‌هایی در نحوه نمونه‌گیری و افزایش حجم نمونه وجود داشت. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر این پدیده‌ها مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- پشندی، شادی؛ خاقانی‌زاده، مرتضی و عبادی، عباس. (۱۳۸۸). مروری بر فرایند ترجمه و تطابق فرهنگی پرسشنامه‌ها. *مجله راهبردهای آموزش*، ۲(۳): ۱۱۷-۱۲۰.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- جانسون، سوزان. (۲۰۰۵). *فرایندهای دل‌بستگی*. ترجمه بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا؛ بطلانی، سعیده و همکاران. (۱۳۸۸). تهران: نشر دانژه.
- زهراکار، کیانوش و جعفری، فروغ. (۱۳۹۱). *مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرایند و نظریه‌ها)*. تهران: انتشارات ارسباران.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی*.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*. Fifth edition. Washington, DC: APA.

Arieta, M. T. (2008). *Women's couple relationship satisfaction: The impact of family structure and interparental conflict*. Doctoral Dissertation. Sanfrancisco University.

- Bamelis, L. L., Renner, F., Heidkamp, D., & Arntz, A. (2011). Extended schema mode conceptualizations for specific personality disorders: an empirical study. *Journal of Personality Disorders, 25*, 41-58.
- Barry, R. A., & Lawrence, E. (2013). 'Don't stand so close to me': An attachment perspective of disengagement and avoidance in marriage. *Journal of Family Psychology, 27*(3), 484-494. doi:10.1037/a0032867
- Bergin, A. E., & Garfield, S. L. (1994). *Overview, trends, and future issues*. In: Bergin AE & Garfield SL (Eds.), *Handbook of psychotherapy and behavioral change: An empirical analysis* (pp. 783-817). New York: John Wiley.
- Bienenfeld, D. (2011). *Personality disorders*. Retrieved 2016, August 12, from <http://emedicine.medscape.com/article/294307>>.
- Carroll, J. S., Nelson, D. A., Yorgason, J. B., Harper, J. M., Ashton, R. H., & Jensen, A. C. (2010). Relational aggression in marriage. *Journal of Aggressive Behavior, 36*(5), 315-329. doi:10.1002/ab.20349
- Christensen, A., Eldrige, K., Bokel Catta-Preta, A., Lim, V. R., & Santagata, R. (2006). Cross-cultural consistency the demand/withdraw interaction in couples. *Journal of Marriage and Family Therapy, 68*, 1029-1044.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in non-distressed, clinic, and divorcing COUPLES. *Journal of consulting and Clinical Psychology, 59*, 458-463.
- Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). Communications patterns questionnaire. *Unpublished questionnaire*. Los Angeles: University of California.
- Cummings, J. A., Hayes, A. M., Cohen, L. H., Laurenceau, J. P., Saint, D. S., & Gricol, K. (2013). Interpersonal competence and daily stress generation in individuals with avoidant personality disorder symptoms. *Journal of Social and Clinical Psychology, 32*(2), 135-158.
- Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., & Bosch, L. (2011). Understanding marital conflict 7 years later from prenatal representations of marriage. *Family Processes, 50*(2), 221-234.
- Dickerson, S. S., & Zoccola, P. M. (2013). Cortisol responses to social exclusion. In C. N. Dewall (Ed.), *The oxford handbook of social exclusion* (pp. 143-151). New York: Oxford.
- Dimaggio, G., D'Urzo, M., Pasinetti, M., Salvatore, G., Lysaker, P., Catania, D., & Popolo, R. (2015). Metacognitive interpersonal therapy for co-occurrent avoidant personality disorder and substance abuse. *Journal of Clinical Psychology: In Session, 71*(2), 157-166.

- Dimaggio, G., Nicolò, G., Semerari, A., & Carcione, A. (2013). Investigating the personality disorder psychotherapy process. *Journal of Psychotherapy Resources, 23*, 625-632.
- Eldrige, K. A., & Christensen, A. (2002). Demand / withdraw communication during couple conflict: A review and analysis. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds), *Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction* (pp. 289-322).
- Eldrige, K. A., Sevier, M., Jones, J., Atkins, D. C., & Christensen, A. (2007). Demand-withdraw communication in severely distressed, moderately distressed, and nondistressed couples: rigidity and polarity during relationship and personal problem discussions. *Journal of Family Psychology, 21*(2), 218-226.
- Feeney, J. A. (2011). Adult attachment and conflict behavior: Delineating the links. *Journal of Acta de Investigacion Psicologica, 1*(2), 233-253.
- Filsinger, E. E. (1983). Choices among marital observation technique. *Journal of Marriage and the Family, 45*, 623-632.
- Gill, T., & Feinstein, A. (1994). A critical appraisal of the quality-of-life measurements. *Journal of the American Medical Association, 272*(8), 619-26.
- Gottman, J. M. (1998). Psychology and the study of marital processes. *Annual Review of Psychology, 49*, 169-197.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. Y. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and the Family, 62*, 737-745.
- Henry, R. G., & Miller, R. B. (2004). Marital problems occurring in midlife: Implications for couple's therapists. *American Journal of Family Therapy, 32*, 405-417.
- Johnson, W. B., & Murray, K. (2007). *Crazy Love: dealing with your partner's problem personality*. Atascadero, CA: Impact Publishers.
- Kantor, M. (2003). *Distancing: Avoidant personality disorder, revised and expanded*. United States of America: Greenwood Publishing Group.
- Lindberg, M. A., Fugett, A., & Thomas, S. W. (2012). Comparing measures of attachment: 'To whom one turns in times of stress,' parental warmth, and partner satisfaction. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development, 173*(1), 41-62. doi:10.1080/00221325.2011.620040
- Millon, Th. (2004). *Personality disorders in modern Life*. New York: Wiley.

- Nurse, A. R. (1999). *Family assessment: Effective uses of personality tests with couples and families*. Canada: John Wiley & Sons.
- Rodebaugh, T. L., & Gianoli, M., (2010). The interpersonal problems of the socially avoidant: Self and peer shared variance. *Journal of Abnormal Psychology, 119*, 331-340.
- Rost, J., Bennun, I., Growe, M., & Golombok, S. (1990). The GRIMS. A psychometric instrument for the assessment of marital discord. *Journal of Family Therapy, 12*, 45-57.
- Segal, D. L., Coolidge, F. L., & Rosowsky, E. (2006). *Personality disorders and older adults: diagnosis, assessment and treatment*. New York: Wiley.
- Shi, L., Wampler, R., & Wampler, K. (2014). Categorical or dimensional: How do attachment measures inform clinicians in couple therapy? *Journal of Family Psychotherapy, 25*(1), 12-25. doi:10.1080/08975353.2014.881686
- Sperry, L. (2003). *Handbook of diagnosis and treatment of DSM-IV-TR personality disorders*, second edition. New York: Brunner-Routledge;
- Tanaka, Y., Ishitobi, Y., Inoue, A., Oshita, H., Okamoto, K., Kawashima, Ch., Nakanishi, M., Aizawa, S., Masuda, K., Maruyama, Y., Higuma, H., Kanehisa, M., Ninomiya, T., & Akiyoshi, J. (2016). Sex determines cortisol and alpha-amylase responses to acute physical and psychosocial stress in patients with avoidant personality disorder. *Brain and Behavior, 6*(8), e00506. doi: 10.1002/brb3.506
- Tippie, R. (2006). *Understanding personality style and disorder for pastoral counseling*. MARET Educational Series, Volume 1. Create Space Independent Publishing Platform.
- Truant, G. S. (1994). Personality diagnosis and childhood care associated with adult marital quality. *Canadian Journal of Psychiatry, 39*, 269-276.
- Weinbrecht, A., Schulze, L., Boettcher, J. & Renneberg, B. (2016). Avoidant personality disorder: a current review. *Current Psychiatry Reports, 18*(3):29. doi: 10.1007/s11920-016-0665-6.